

اثر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد با رویکرد رگرسیون پانل کوانتایل (مطالعه موردی: منتخب کشورهای در حال توسعه)

محسن مهرآرا^۱، پگاه شیرمحمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۳

چکیده

نابرابری درآمد و تلاش در راستای کاهش آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع در دنیای کنونی محسوب می‌شود؛ کشورها از یک سو به دنبال منابعی درآمدزا و از سوی دیگر در تلاش جهت کاهش نابرابری‌های درآمدی هستند. صنعت گردشگری به‌عنوان گسترده‌ترین و یکی از مهم‌ترین صنایع درآمدزا و اشتغال‌زا، می‌تواند دستیابی به هر دو هدف را هم‌زمان فراهم آورد. در این پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و رویکرد رگرسیون کوانتایل در منتخبی از کشورهای در حال توسعه (شامل ۳۱ کشور) به بررسی اثر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد در فاصله زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۵ پرداخته شده است. مزیت استفاده از این مدل ارزیابی متغیر پاسخ (نابرابری درآمد)، در برابر دخالت متغیرهای مستقل (به‌ویژه درآمدهای گردشگری)، نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دهک‌های ابتدایی و انتهایی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درآمدهای گردشگری منجر به کاهش نابرابری درآمد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از کانال کاهش بیکاری می‌شود. به‌علاوه کشورهایی که در سطوح یا کوانتایل‌های بالاتر نابرابری قرار دارند از منافع گردشگری در جهت کاهش نابرابری به میزان بیشتری بهره‌مند می‌شوند. لذا آن‌ها می‌توانند از سیاست‌های توسعه گردشگری در جهت کاهش نابرابری به‌طور مؤثرتری بهره‌مند گردند.

واژگان کلیدی: نابرابری درآمد، درآمد گردشگری، رگرسیون پانل کوانتایل.

۱- استاد، گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): mmehrara@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری، اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

توزیع عادلانه درآمد همواره یکی از مهم‌ترین مسائل در اقتصاد کشورهای مختلف بوده است. مسئله توزیع درآمد به دو دلیل همواره برای دولت‌ها حائز اهمیت بوده است: نخست اینکه توزیع درآمد، بعد مهمی از عدالت را تشکیل می‌دهد. دوم اینکه بر روی متغیرها و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار است (مهرآرا و اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۱۰)، از سوی دیگر در چند دهه گذشته، گردشگری به یکی از عوامل اصلی درآمدزایی و رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تبدیل شده است.

صنعت گردشگری به دلیل برخورداری از پتانسیل ایجاد اشتغال، کمک به ایجاد تعادل در دستمزدها، تهیه سرمایه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی، کمک به خلق ارتباط در درون بخش‌های اقتصادی و ایجاد تأثیرهای فزاینده می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته داشته باشد (فرزین و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۶). گردشگری به‌طور کل در سال ۲۰۱۵ توانسته است، ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی جهان را به خود اختصاص دهد. در سال ۲۰۱۵ به‌طور مستقیم بیش از ۱۰۷ میلیون شغل از طریق این صنعت در جهان ایجاد شده است. سازمان جهانی گردشگری^۱ (WTO) پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۲۵ سهم اشتغال مستقیم در صنعت گردشگری به ۴ درصد و در بخش غیرمستقیم به ۱۰/۷ درصد ارتقاء یابد. بر طبق آمارهای ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی گردشگری (WTO)، در سال‌های اخیر گردشگری بین‌المللی شاهد رشد فزاینده‌ای بوده است، به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۵ حجم اقتصادی گردشگری ۷۸۶۳ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی دنیا را به خود اختصاص داده است. همچنین، در همین سال وضعیت ایجاد اشتغال کل در این صنعت با حدود ۲۸۴ میلیون شغل به بیش از ۹/۵ درصد از کل شاغلان به کار در سطح جهان ارتقاء یافته است. بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان جهانی جهانگردی؛ آمار کل گردشگران بین‌المللی ورودی در سال ۲۰۱۴، بیش از ۱۱۶۰ میلیارد نفر اعلام شده است (شورای جهانی سفر و گردشگری^۲، ۲۰۱۶). بعضی از سازمان‌های بین‌المللی، گردشگری را به‌عنوان موتور توسعه

1. World Tourism Organization (WTO)

2. World Travel & Tourism Council

اقتصادی برای کمک به کشورهای فقیر در کاهش فقر شناسایی کرده‌اند (کروز و وانگاس^۱، ۲۰۰۸).

از دیدگاه نظری، توسعه گردشگری دربرگیرنده اثرات مثبت و منفی بر نابرابری درآمد یک منطقه یا کشور است. برای مثال، بارتیک^۲ (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که گردشگری؛ فعالیت‌های اقتصادی محلی را افزایش داده و رشد اقتصادی بیشتر، توزیع درآمد محلی را بدتر خواهد کرد. به همین ترتیب پاپاتدورو^۳ (۲۰۰۴) با در نظر گرفتن ساختار اجتماعی-اقتصادی، مدلی نظری را پیشنهاد می‌دهد و استدلال می‌کند که چنانچه شرکت‌های سنتی کوچک همراه با شرکت‌های فراملی متمرکز در بازار فعالیت داشته باشند، بازار انبوه به دلیل شهرت خدمات بهتر، تحت تسلط شرکت‌های مختلط چندملیتی بزرگ خواهد بود و همین سبب می‌شود شرکت‌های محلی جدید با موانع ورودی قوی و چالش‌های شدیدی مواجه گردند که دارای تأثیر منفی بر توزیع درآمد و اشتغال محلی است. به علاوه، چیلچر^۴ (۲۰۰۷) و استبلر و همکاران^۵ (۲۰۱۰) ادعا می‌کنند، گردشگری یکی از صنایع مهم تحت غلبه شرکت‌های چندملیتی است که از کارکنان و منابع مناطق گردشگری استفاده کرده و مزایایی اندکی را برای کشور میزبان به همراه دارد به طوری که نابرابری را تثبیت و فقر را افزایش می‌دهد.

با این وجود، گردشگری را می‌توان به عنوان روشی برای کاهش نابرابری معرفی کرد. این روش با هدف تضمین مزایای بیشتر برای فقرا ارائه می‌گردد. با استفاده از این روش، گردشگری به عنوان ابزاری برای ایجاد فرصت‌های بهبودیافته، ایجاد اشتغال انبوه و توسعه مزایا برای گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه از طریق مشارکت دادن آن‌ها در تولید کالاها و خدمات گردشگری تلقی می‌شود. همچنین گردشگری می‌تواند ابزاری برای توزیع مجدد درآمد باشد، به ویژه اگر به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت تلقی گردد. با این پیش‌فرض، تخصیص درآمدهای حاصل در جهت بهبود رفاه حال فقرا برای دولت امری حیاتی تلقی می‌گردد (اینسرا و فرناندز، ۲۰۱۵).

1. Crose and Vanegas
2. Bartik
3. Papatheodorou
4. Schilcher
5. Stabler et al.

در کنار مطالعات نظری، مطالعات تجربی یافته‌های جامع‌تری را ارائه می‌دهد. برای درک بهتر اثرات توسعه گردشگری بر جامعه، تجزیه و تحلیل تجربی نیاز است که نحوه توزیع پیامدهای اقتصادی توسعه گردشگری را در میان گروه‌های درآمد مختلف، در کشورهای در حال توسعه بررسی کند. از این رو، هدف این مطالعه بررسی نقش توسعه گردشگری بر نابرابری درآمد در ۳۱ کشور در حال توسعه است.

تأثیر توسعه گردشگری بر منافع اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم، اهمیت زیادی برای سیاست‌گذاران و محققین داشته است؛ اما بیشتر این مطالعات تنها اثر مستقیم و متوسط گردشگری را بر متغیرهایی مانند رشد اقتصادی بر اساس الگوی رگرسیون میانگین در نظر گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به مطالعات توسون و همکاران^۱ (۲۰۰۳) و اینسرا و فرناندز^۲ (۲۰۱۵) اشاره کرد. فلذا تأثیر غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری در این حوزه مورد قصور قرار گرفته است. به علاوه رگرسیون میانگین قادر نیست این اثرات را در سطوح مختلف نابرابری از یکدیگر تفکیک نماید.

این مطالعه چهار رویکرد مهم در ادبیات گردشگری را دنبال می‌کنند؛ رویکرد اول بررسی اثر مستقیم درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد پس از کنترل سایر متغیرهای مؤثر بر نابرابری است. لازم به توضیح است که در مدل اقتصادسنجی این مطالعه علاوه بر گردشگری، از متغیرهای جریان سرمایه‌گذاری خارجی، تولید ناخالص داخلی سرانه و درجه باز بودن تجاری، بیکاری و تورم استفاده شده است. رویکرد دوم بر آورد اثر غیرمستقیم گردشگری بر نابرابری از کانال متغیر بیکاری است. مورد سوم اینکه کشورهای نمونه در این مطالعه کشورهای در حال توسعه است، در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نابرابری درآمد گسترده‌تر است؛ بنابراین یافته‌های به دست آمده از این مطالعه قابل اطمینان‌تر بوده و نتایج سیاستی ارزشمندی را فراهم می‌آورد. رویکرد چهارم بررسی رابطه مورد نظر با استفاده از مدل پانل کوانتایل است که با کمک تکنیک‌های اقتصادسنجی جدید نتایج منسجم و قابل اطمینانی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب می‌توان اثر گردشگری را بر نابرابری در کوانتایل‌های مختلف (سطوح بالا و پایین نابرابری) تفکیک کرد.

1. Tosun et al.

2. Incera and Fernández

این مقاله در چهار بخش تدوین شده است. بعد از مقدمه در بخش دوم مروری بر ادبیات نظری توسعه گردشگری و نابرابری درآمد صورت خواهد گرفت. بخش سوم به روش‌شناسی تحقیق که شامل ارائه مدل و تجزیه و تحلیل مدل است اختصاص می‌یابد و در بخش پایانی نتایج مطالعه و پیشنهادهای سیاست‌گذاری ارائه خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در طی چند دهه گذشته مطالعات مرتبط با توسعه گردشگری به‌طور کلی بر جنبه‌های مثبت گردشگری متمرکز شده است (آرچر و فلچر^۱، ۱۹۹۶). بیشتر این مطالعات توزیع منافع اقتصادی و سودهای گردشگری را نادیده می‌گیرند. برای درک بهتر اثرات توسعه گردشگری بر جامعه لازم است که بررسی کنیم عواید اقتصادی چگونه در میان گروه‌های درآمدی مختلف توزیع می‌شوند در ادامه مطالعات صورت گرفته در مورد توزیع متعادل مزایای اقتصادی گردشگری، بررسی خواهد شد.

مقاله ون و تیسدل^۲ (۱۹۹۷) یکی از مطالعات پیشرو در این حوزه است که به‌طور تجربی تأثیر گردشگری بین‌المللی بر نابرابری درآمد در چین را بررسی می‌کند. این مطالعه با بررسی شاخص‌های طرف تقاضا و عرضه گردشگری نشان می‌دهد، گردشگری نابرابری منطقه‌ای را در میان استان‌های مختلف چین افزایش می‌دهد. توسون و همکاران^۳ (۲۰۰۳) رابطه میان گردشگری و نابرابری درآمد را در ترکیه بررسی کردند؛ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که گردشگری دارای اثر اندکی بر توسعه اقتصادی ترکیه است، درحالی‌که همین اثر اندک، رشد اقتصادی را به میزان برابری در طبقات مختلف درآمدی مناطق ساحلی و روستایی افزایش داده است.

مانیارا و جونز^۴ (۲۰۰۷) تأثیر گردشگری را بر کاهش فقر و نابرابری درآمد، با تمرکز بر عملکرد شرکت‌های گردشگری کنیا مورد مطالعه قرار داده‌اند. محققان، در این پژوهش از مصاحبه با مدیران شرکت‌های گردشگری، پژوهشگران گردشگری، مقامات دولتی و غیردولتی

1. Archer and Fletcher

2. Wen and Tisdell

3. Tosun et al.

4. Manyara and Jones

استفاده کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که گردشگری هیچ نقش معناداری بر کاهش فقر و نابرابری درآمد در کنیا ندارد. بلیک و همکاران^۱ (۲۰۰۸) تأثیر توزیعی گردشگری را بر خانوارهای مختلف در اقتصاد برزیل بررسی کردند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اثرات گردشگری بر تمام گروه‌های درآمدی مثبت است، با این توضیح که برخی خانوارها با درآمد بیشتر از مزیت بالاتری نسبت به خانوارهای با درآمد پایین، برخوردارند.

لی و اولیری^۲ (۲۰۰۸) عوامل تعیین‌کننده بر نابرابری درآمد را در جوامع غیرشهری ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ بررسی کردند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای مرتبط با گردشگری مانند اشتغال گردشگری و درآمد گردشگری، عواملی هستند که تأثیر معناداری بر نابرابری درآمد دارند.

جیانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۱) در بررسی جزایر آسیایی و اقیانوس آرام، جزایر کارائیب و آفریقا به این نتیجه رسیدند که مناطقی که دارای میزان گردشگری بالاتری هستند، از استاندارد زندگی و توسعه انسانی بالاتری برخوردار هستند.

سورج و همکاران^۴ (۲۰۱۱) تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد را با استفاده از اطلاعات بین کشوری و روش پانل مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، گردشگری تأثیر مثبت بر توزیع درآمد داشته و نابرابری را در کشورهای مورد مطالعه کاهش می‌دهد.

وانگاس^۵ (۲۰۱۴) تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، رشد اقتصادی و نابرابری در آمریکای مرکزی طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۲ را مورد ارزیابی قرار داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد گردشگری از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و نابرابری، منجر به کاهش فقر در آمریکای مرکزی شده است.

کروئز^۶ (۲۰۱۴) تأثیر گردشگری بر فقر مطلق کشورهای درحال توسعه آمریکای مرکزی (نیکاراگوئه و کاستاریکا) را بررسی کرده است، یافته‌های این مطالعه با به‌کارگیری آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد که گردشگری به کاهش فقر مطلق در هر دو کشور کمک می‌کند.

1. Blake et al.
2. Lee and O'Leary
3. Jiang et al.
4. Suraj, et al.
5. Vanegas & Manuel
6. Croes

جاب و پاسلر^۱ (۲۰۱۳) اثر گردشگری طبیعی را بر زندگی ساکنان جزیره واسینی کنیا مورد بررسی قرار دادند. نتایج تجزیه و تحلیل اقتصادی این پژوهش حاکی از آن است که افزایش درآمد حاصل از گردشگری منجر به بهبود استاندارد زندگی در این منطقه شده است.

اینسرا و فرناندز^۲ (۲۰۱۵) تأثیر گردشگری درون مرزی را بر توزیع درآمد منطقه گالیسا اسپانیا را در سال ۲۰۰۸ بررسی کردند، این پژوهش با به کارگیری مدل ماتریس حسابداری (SAM) شواهدی ارائه می‌دهد که بر اساس آن خانوارهای با درآمد بالاتر نسبت به خانوارهای کم درآمد در حوزه فعالیت‌های گردشگری منافع بیشتری کسب می‌کنند؛ بدین مفهوم که گردشگری درون مرزی موجب افزایش اندک در نابرابری درآمد در گالیستا می‌شود.

لی و همکاران^۳ (۲۰۱۵) با به کارگیری تحلیل داده‌های پانل پویا در مناطق ساحلی و داخلی چین، اثر توسعه گردشگری را بر نابرابری منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار دادند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که گردشگری تأثیر مثبت قوی‌تری بر توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته، نسبت به مناطق توسعه یافته دارد و به عبارت دیگر گردشگری می‌تواند نابرابری منطقه‌ای در چین را کاهش دهد.

لی چن و همکاران^۴ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که گردشگری، نابرابری‌های منطقه‌ای در چین را کاهش می‌دهد و به علاوه گردشگری داخلی دارای تأثیر بیشتری بر کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نسبت به گردشگری بین‌المللی است.

الام و پاراماتی^۵ (۲۰۱۶) تأثیر گردشگری بر نابرابری درآمد در ۴۹ اقتصاد در حال توسعه را به روش مجموعه داده پانل متوازن از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲ مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج حاصل از کشش‌های بلندمدت در این پژوهش نشان می‌دهند گردشگری نابرابری درآمد را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. به علاوه، این کشش‌ها در مورد مجذور درآمد گردشگری، وجود فرضیه منحنی کوزنتس^۶ بین درآمد گردشگری و نابرابری‌های درآمد را تأیید می‌نمایند، به این معنی که اگر سطح فعلی گردشگری دو برابر شود، نابرابری درآمد به طور قابل توجهی در اقتصادهای در حال توسعه کاهش خواهد یافت.

1. Job and Paesler
2. Incera and Fernández
3. Li et al.
4. Li et al.
5. Alam & Paramati
6. Kuznets curve

دایی کریم زاده و شاکرمی (۱۳۸۹) اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای گروه D8 طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۵ را با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری تأثیر مثبت بر کاهش نابرابری دارد.

مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد را در منتخبی از کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۹ را، با استفاده از روش داده‌های تلفیقی بررسی کردند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، درآمدهای ناشی از گردشگری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توزیع درآمد این مجموعه از کشورها داشته است.

قلی‌زاده و مهدیه (۱۳۹۵)، تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی را بررسی و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که توسعه گردشگری چه تأثیری بر رشد اقتصادی و نابرابری داشته و نیز از این طریق چگونه فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این پژوهش با به‌کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ انجام گرفته است. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد توسعه گردشگری در ایران باعث کاهش نابرابری می‌شود.

لازم به ذکر است مطالعات مذکور در ارتباط با اثر غیرمستقیمی که درآمدهای گردشگری از کانال کاهش بیکاری بر نابرابری درآمد می‌گذارد مسکوت مانده‌اند، درحالی‌که اثرات جانبی گردشگری بر جای‌جای اقتصاد دیده می‌شود که بیکاری یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی است که از توسعه صنعت گردشگری تأثیر می‌پذیرد. گردشگری یک صنعت کاربر است. از آنجا که بسیاری از خدمات گردشگری را نمی‌توان با استفاده از فناوری ارائه نمود، اشتغال نیروی انسانی در این صنعت فراوان است. توسعه گردشگری در مکان‌های مختلف زمینه‌های اشتغال دائم و فصلی و نیمه‌وقت را برای نیروی انسانی با تخصص و آموزش متوسط فراهم می‌آورد و از نرخ بیکاری می‌کاهد.

بنابراین در این پژوهش بر اثر غیرمستقیم درآمدهای گردشگری تأکید شده و تلاش شده است که این اثر برآورد گردد. علاوه بر این بیشتر مطالعات در این حوزه در بازه زمانی معین در مرزهای داخلی یک کشور صورت گرفته است که همین، تعمیم‌یافته‌های مطالعات را به سایر

کشورها محدود می‌کند، اما این مطالعه با روش پانل دیتا کواتایل برای ۳۱ کشور درحال توسعه، یافته‌های جامع‌تر و دقیق‌تری را ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی تحقیق

در این بخش، توصیفی از متغیرها ارائه خواهد شد. انتخاب بازه زمانی و کشورها مبتنی بر قابل‌دسترس بودن داده‌های سالانه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ است (۲۰ مشاهده برای هر کشور). این پژوهش از مجموعه‌ی داده‌های پانل نامتوازن استفاده می‌کند. کشورهای درحال توسعه در نظر گرفته شده عبارت‌اند از: ایران، مالزی، اندونزی، ترکیه، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، روسیه، چین، تایلند، فیلیپین، پاکستان، هندوستان، قرقیزستان، ویتنام، پاراگوئه، کاستاریکا، اکراین، پرو، پاناما، برزیل، آرژانتین، اروگوئه، کلمبیا، لهستان، رومانی، مجارستان، مولداوی، بلاروس، هندوراس. انتخاب کشورهای درحال توسعه و بازه زمانی در این پژوهش بر اساس دسترسی به داده‌ها، کیفیت داده‌ها و همگنی کشورها بوده است.

برای سنجش میزان نابرابری درآمدی از شاخص‌های گوناگونی استفاده می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به ضریب جینی، ضریب اتکینسون^۱ و شاخص تایل^۲ اشاره نمود. ضریب جینی^۳ به‌عنوان پرکاربردترین شاخص برای سنجش میزان نابرابری درآمدی در مطالعات اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این شاخص بیشتر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش یا چالش قرار گرفته که سبب شده ویژگی‌های مثبت و منفی آن مورد بررسی واقع شود (چمبرنون^۴، ۱۹۷۴). در این مطالعه، نابرابری درآمد (IIE) از طریق ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شود، تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC) به قیمت ثابت ۲۰۱۰ و جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی است. شاخص باز بودن تجارت (TO) به‌صورت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌گردد، همچنین نرخ بیکاری (UNE) و نرخ تورم (INF) از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری هستند که در این پژوهش در نظر گرفته می‌شود. درنهایت درآمد

1. Atkinson index
2. Theil index
3. Gini index
4. Chmpernown

گردشگری (TR) به عنوان سهم مستقیم و غیرمستقیم بخش گردشگری از تولید ناخالص داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌ها از پایگاه بانک جهانی^۱ و پایگاه جهانی داده‌های نابرابری درآمد استاندارد شده^۲ و شورای گردشگری جهانی^۳ استخراج شده‌اند. برای سنجش و تخمین داده‌ها در این پژوهش از نرم‌افزارهای اکسل و Eviews استفاده شده است.

در این مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری بر اساس ادبیات تجربی و مبانی نظری انتخاب شده‌اند به نحوی که مطالعات نظری و تجربی قوی از اثرگذاری این متغیرها حمایت می‌کنند. به‌طور خلاصه مطالعاتی که اثر متغیرهای توضیحی در این مقاله را بر نابرابری درآمد مورد تأکید قرار داده‌اند در جدول ۱ ارائه شده است.

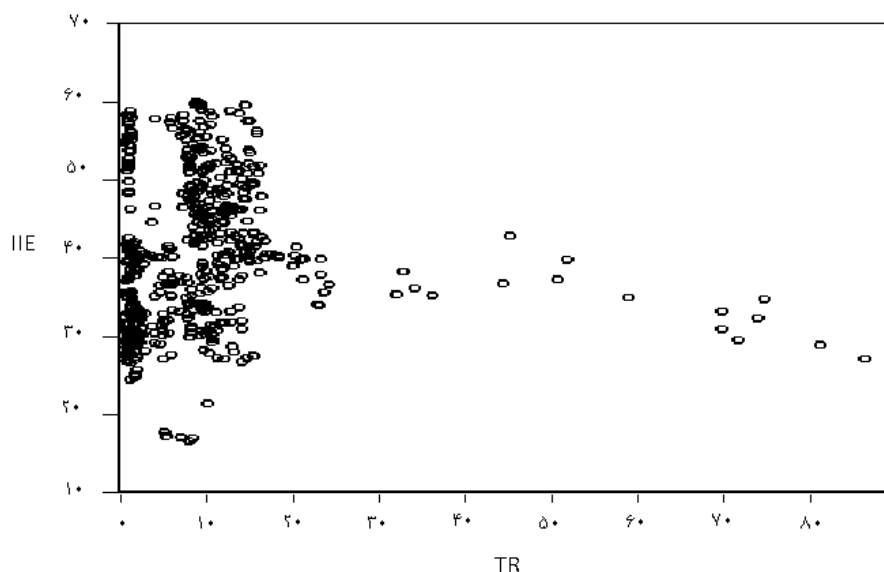
جدول ۱. منتخب پیشینه تحقیق در خصوص متغیرهای اثرگذار بر نابرابری درآمد

متغیر	مطالعات صورت گرفته
تورم	شیلر ^۴ (۱۹۹۷)، بالر ^۵ (۲۰۰۱)، گالی و واندرهون ^۶ (۲۰۰۱)، آمورندام ^۷ (۲۰۰۴) و ...
بیکاری	بلیندر و ایساکي ^۸ (۱۹۷۸)، نولان ^۹ (۱۹۸۶)، لی و زو ^{۱۰} (۲۰۰۲) و ...
شاخص باز بودن تجارت	تیلور ^{۱۱} (۲۰۰۰)، جکوبسون ^{۱۲} (۲۰۰۶)، مسچی و ویوارل ^{۱۳} (۲۰۰۷)، الخوری و ساویدس ^{۱۴} (۲۰۰۹) و ...
جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	تسای ^{۱۵} (۱۹۹۵)، باسو و گواریگلیا ^{۱۶} (۲۰۰۷)، وئو و هسو ^{۱۷} (۲۰۱۲)،

1. World Development Indicators (WDI)
2. Standardized World Income Inequality Database (SWIID)
3. World Travel and Tourism Council (WTTC)
4. Shiller
5. Bulir
6. Galli & Vander Hoeven
7. Amornthum
8. Bilnder and Esaki
9. Nolan
10. Li & zou
11. Taylor
12. Jakobsson
13. Meschi & Vivarell
14. El Khoury & Savvides
15. Tsai
16. Basu & Guariglia
17. Wu & Hsu

تحلیل آمار توصیفی داده‌ها

در تحلیل میانگین متغیرهای مدل در سطح کشورهای منتخب، در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵، نتایج نشان می‌دهد نابرابری درآمد در سراسر کشورها به‌طور قابل توجهی متفاوت است. میانگین نابرابری درآمد در برزیل (۵۷/۱۸)، هندرواس (۵۵/۵۴)، کلمبیا (۵۵/۳)، پاراگوئه (۵۲/۱۷) و پرو (۴۹/۹۳) است؛ درحالی‌که سایر کشورها دارای نابرابری درآمد نسبتاً پایین‌تری هستند، از جمله: آذربایجان (۲۷/۷۲)، بلاروس (۲۸/۰۸)، مجارستان (۲۸/۱۳)، رومانی (۳۰/۳۸)، قزاقستان (۳۰/۵۱) و اوکراین (۲۸/۰۸). بر اساس آمار کشورهای نمونه، اکثریت کشورهایی که دچار نابرابری درآمد بالاتری هستند، درآمد سرانه پایین‌تری دارند. بالاترین متوسط GDP سرانه به کشورهای مجارستان (۱۱۴۷۲)، آرژانتین (۹۵۱۷) و روسیه (۸۶۲۱) دلار تعلق دارد، در صورتی‌که پایین‌ترین میزان این شاخص مربوط به کشورهای قرقیزستان (۸۰۶)، ویتنام (۹۲۵)، هندوستان (۹۳۴) و پاکستان (۹۰۹) است. در میان این ۳۱ کشور نمونه، ۴ کشور دارای سرانه GDP کمتر از ۱۰۰۰ دلار هستند، در صورتی‌که تنها ده کشور دارای سرانه بیش از ۵۰۰۰ دلار می‌باشند. برای دوره زمانی مذکور (۱۹۹۵-۲۰۱۵)، میانگین GDP سرانه جهان ۸۸۳۳/۱۱ دلار است. این نشان می‌دهد تنها سه کشور از میان ۳۱ کشور در حال توسعه دارای GDP سرانه بالاتر نسبت به میانگین جهانی هستند. کشورهای مولداوی (۵۵)، تایلند (۱۶) و گرجستان (۱۶) بالاترین متوسط درآمد گردشگری به‌عنوان درصدی از GDP را در نمونه دارند، درحالی‌که این شاخص برای پاراگوئه (۰/۹۳) و بلاروس (۰/۸۳) کمترین مقدار است. در میان کشورهای نمونه پرو، برزیل، آرژانتین و بلاروس بالاترین تورم و کشورهای پاناما، مالزی، چین و تایلند کمترین نرخ‌های تورم را در بازه زمانی مطالعه تجربه کرده‌اند، همچنین ارمنستان با ۱۷/۶۳ درصد بالاترین و بلاروس با ۰/۶۶ درصد کمترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای نمونه به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱. پراکنش میان نابرابری درآمد (IIE) و درآمد گردشگری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (TR)

نمودار (۱) پراکنش درآمدهای گردشگری و نابرابری درآمد را برای کشورهای نمونه نشان می‌دهد. مطابق نمودار مذکور کشورهای بالایی که از درآمدهای گردشگری در سطوح بالایی (به‌ویژه بالاتر از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی) برخوردارند نابرابری کمتری دارند. در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه (در حال توسعه) سهم درآمد گردشگری از تولید ناخالص بسیار پایین است و بیشتر نقاط در بازه کمتر از ۱۰ درصد متمرکز شده‌اند. به علاوه دامنه تغییر نابرابری در این کشورها بسیار گسترده است که نشان می‌دهد سایر عوامل نیز نقش بسیار مهمی در نابرابری این کشورها ایفا کرده‌اند. لذا لازم است با کنترل سایر عوامل مؤثر بر نابرابری مبتنی بر یک الگوی اقتصادسنجی، اثر درآمدهای گردشگری بر نابرابری مورد برآورد قرار گیرد. به عبارت دیگر هرچند نمودار ارتباط منفی ضعیفی را میان این دو متغیر (به‌ویژه برای کشورهای بالایی که درآمد گردشگری بالایی دارند) نشان می‌دهد اما به دلیل دخالت سایر عوامل، به سادگی نمی‌توان از نمودار مذکور به تحلیل این ارتباط پرداخت. لذا در بخش بعدی با لحاظ کردن سایر متغیرها در الگوی اقتصادسنجی، شدت این ارتباط به شکل دقیق‌تری برآورد می‌شود.

خلاصه آمار توصیفی برای مجموعه داده پانل نیز در جدول (۱) ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که در ۴۸۷ مشاهده برای متغیر نابرابری درآمد در کشورهای نمونه، میانگین نابرابری درآمد ۴۰/۹۷ است. میانگین سهم جریان سرمایه‌گذاری خارجی از تولید ناخالص داخلی، ۴/۲۶ درصد و تولید ناخالص داخلی سرانه، ۴۹۱۵ دلار است. میانگین شاخص باز بودن تجارت برای مجموعه کشورها ۱۰۹/۱۰، میانگین درآمد گردشگری ۹/۰۷ درصد از GDP و همچنین میانگین تورم و بیکاری به ترتیب ۱۴/۴۷ و ۷/۸۵ می‌باشند. در این مطالعه انحراف معیار به‌عنوان شاخص پراکندگی، گزارش شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی مجموعه داده‌ها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد مشاهدات
(IIE)	۴۰/۹۷	۹/۷۶	۴۸۷
(FDI)	۴/۲۶	۵/۳۶	۶۴۸
(GDPPC)	۴۹۱۵/۹۱	۳۴۴۸/۴۹	۶۵۰
(TO)	۱۰۹/۱۰	۱۱۹/۸۹	۶۴۶
(TR)	۹/۰۷	۸/۵۰	۶۵۱
(INF)	۱۴/۴۷	۴۱/۶۱	۶۴۷
(UNE)	۷/۸۵	۴/۲۲	۶۵۱

مدل اقتصادسنجی

در آمار و ادبیات اقتصادسنجی، میانگین یکی از معیارهای تمرکز است و مقدار آن به‌تنهایی نمی‌تواند اطلاعات کاملی و دقیقی از جامعه آماری و شکل توزیع به دست دهد. به همین ترتیب رگرسیون معمولی (مبتنی بر میانگین شرطی) نیز با نقص‌هایی همراه است و اطلاعات کاملی در خصوص تأثیر متغیرهای توضیحی در سطوح یا کوانتیل‌های مختلف متغیر وابسته فراهم نمی‌کند. در این راستا، چندک‌ها^۱ یا صدک‌ها در کنار هم می‌توانند، شکل توزیع و روابط میان متغیرها را به‌صورت جامع‌تری به تصویر بکشند. روش رگرسیون چندک (کوانتایل)

که توسط کوانکر و باست^۱ (۱۹۷۸) معرفی شد، برخلاف روش حداقل مربعات معمولی اثر نهایی متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته در نقاط مختلف توزیع و نه فقط میانگین را برآورد می‌کند. این روش نسبت به روش حداقل مربعات معمولی دارای مزایایی است، از جمله ویژگی‌های این روش حساسیت کمتر نسبت به داده‌های پرت است، از طرف دیگر در این روش تخمین‌ها نسبت به عدم نرمال بودن، قوی و مستحکم هستند. علاوه بر مزیت‌های فوق رگرسیون کوانتایل نسبت به حداقل مربعات معمولی، در حضور ناهمسانی واریانس از استحکام نتایج بیشتری برخوردار است.

مدل اقتصادسنجی کوانتایل یا رگرسیون برای کوانتایل τ ام متغیر وابسته، به‌عنوان تابع خطی از متغیرهای توضیح‌دهنده به‌صورت رابطه (۱) تصریح می‌شود:

$$y_i = x_i' \beta_\tau + u_{\tau i}, \quad Quant_\tau(y_i | x_i) = x_i' \beta_\tau \quad (1)$$

در رابطه (۱) $Quant_\tau(y_i | x_i)$ ، کوانتایل شرطی y_i به شرط x_i را نشان می‌دهد که عبارت $Quant_\tau(u_{\tau i} | x_i) = 0$ را تضمین می‌کند. در ساختار رگرسیون کوانتایل، اثر متغیرهای توضیحی بر توزیع شرطی متغیر وابسته (در اینجا نابرابری درآمد) به‌وسیله فرایند مینیم کردن مجموع قدر مطلق خطاها تخمین زده می‌شود. برای برآورد ضرایب مدل فوق از حداقل سازی قدر مطلق خطاها با وزن دهی مناسب به‌صورت رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$\min \beta_\tau \left\{ \sum_{i: y_i \geq x_i' \beta_\tau} \tau |y_i - x_i' \beta_\tau| + \sum_{i: y_i < x_i' \beta_\tau} (1-\tau) |y_i - x_i' \beta_\tau| \right\} \quad (2)$$

لازم به ذکر است که انگیزه اصلی به‌کارگیری رگرسیون چندک‌ها در این پژوهش این است که با نگاهی دقیق و جامع در ارزیابی متغیر پاسخ (نابرابری درآمد)، مدلی ارائه شود تا امکان دخالت متغیرهای مستقل (به‌ویژه درآمدهای گردشگری)، نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی فراهم گردد.

ارائه مدل و نتایج آزمون رگرسیون پانل کوانتایل

در این مطالعه بر اساس رویکرد رگرسیون پانل کوانتایل به بررسی تأثیر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد پرداخته شده است. متغیرهای الگو بر اساس مبانی نظری و ادبیات تجربی و دسترسی به داده‌ها انتخاب می‌شوند (در جدول ۱ به برخی از این مطالعات اشاره شد). برای این منظور رگرسیون پانل به صورت رابطه (۳) تصریح و مورد برآورد قرار خواهد گرفت:

$$Q_{IIE, it}(\tau_k | \alpha_i X_{it}) = \beta_1 + \beta_2 TR_{it} + \beta_3 GDP_{it} + \beta_4 FDI_{it} + \beta_5 TO_{it} + \beta_6 INF_{it} + \beta_7 UNE_{it} \quad (3)$$

رابطه (۳) تنها اثرات مستقیم درآمدهای گردشگری (TR) را بر نابرابری (IIE) با فرض ثابت بودن سایر متغیرهای الگو از جمله نرخ بیکاری نشان می‌دهد، درحالی‌که این اثرات به صورت غیرمستقیم نیز باید برآورد شود. انتظار می‌رود که گردشگری از کانال بیکاری (UNE) نیز اثرات بااهمیتی بر نابرابری داشته باشد. نتایج تجربی ارائه شده در ادامه این تحقیق این موضوع را تأیید می‌کند. برای برآورد این اثر غیرمستقیم ابتدا باید تأثیر گردشگری بر بیکاری کشورهای مورد بررسی و سپس تأثیر بیکاری بر نابرابری درآمد برآورد شود. لذا ابتدا رابطه (۴) به صورت زیر به روش پانل کوانتایل برآورد خواهد شد:

$$UNE_{it} = \Phi_1 + \gamma_1 TR_{it} \quad (4)$$

که در آن بیکاری تابعی از درآمدهای گردشگری (TR) است. پس از محاسبه اثرات غیرمستقیم γ_1 مبتنی بر مدل فوق، تأثیرات کل گردشگری با مشتق از معادله (۳) و مشتق ضمنی تأثیر درآمدهای گردشگری بر بیکاری به صورت رابطه (۵)، قابل محاسبه است. بدین ترتیب تأثیرات گردشگری بر نابرابری درآمد شامل دو جزء مستقیم $\left(\frac{\partial IIE}{\partial TR}\right)$ و غیرمستقیم $\left(\frac{\partial IIE}{\partial UNE} \cdot \frac{\partial UNE}{\partial TR}\right)$ خواهد بود. بر این اساس داریم:

$$\begin{aligned} \frac{dIIE}{dTR} &= \frac{\partial IIE}{\partial TR} + \frac{\partial IIE}{\partial UNE} \cdot \frac{\partial UNE}{\partial TR} \\ &= \beta_2 + \left(\beta_7 \cdot \frac{\partial UNE}{\partial TR} \right) \\ &= \beta_2 + (\beta_7) \cdot \gamma_1 \end{aligned} \quad (5)$$

لازم به توضیح است، در این مطالعه اثر کل گردشگری بر بیکاری بدون کنترل سایر متغیرها بررسی می‌شود. به عبارت دیگر کل اثرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری بر بیکاری مورد برآورد قرار می‌گیرد به همین علت برای معادله از رگرسیون تک متغیره استفاده شده است. با توجه به روابط در ادامه به ارائه نتایج تخمین مدل‌های معرفی شده پرداخته خواهد شد. نتایج برآورد تصریح (۳) در جدول (۳) ارائه شده است. بیان این نکته ضروری است که در ادبیات رگرسیون کوانتیل، عموماً معادله در سطح دهک‌ها برآورد می‌شود؛ زیرا تخمین رگرسیون برحسب صدک‌ها نیاز به گزارش صد معادله دارد. به علاوه در این مورد تعداد مشاهدات و کیفیت تخمین‌ها در سطح صدک کاهش می‌یابد و سادگی تحلیل‌ها از دست می‌رود.

جدول ۳. برآورد رگرسیون کوانتایل (متغیر وابسته: نابرابری IIE)

IIE=F(UNE, TR, INF, FDI, TO, GDPPC)									متغیر
Q-reg(9)	Q-reg(8)	Q-reg(7)	Q-reg(6)	Q-reg(5)	Q-reg(4)	Q-reg(3)	Q-reg(2)	Q-reg(1)	
۰/۲۰۳ (۲/۱۱) ***	۰/۲۴۳ (۲/۷۳) ***	۰/۲۴۹ (۲/۶۱) ***	۰/۳۲۴ (۳/۶۱) ***	۰/۳۵۳ (۵/۴۴) ***	۰/۳۷۷ (۶/۷۲) ***	۰/۴۰۷ (۷/۶۸) ***	۰/۴۷۰ (۷/۴۶) ***	۰/۴۷۱ (۶/۴۳) ***	UNE
-۰/۱۹۱ (-۲/۱۲) ***	-۰/۱۰۵ (-۱/۲۱)	-۱۴۰ (-۲/۰۲) ***	-۰/۱۱۷ (-۲/۲۶) ***	-۰/۰۹۵ (-۱/۷۲) **	-۰/۱۰۴ (-۵/۷۳) ***	-۰/۱۰۲ (-۷/۴۸) ***	-۰/۱۰۲ (-۸/۱۱) ***	-۰/۱۰۵ (-۹/۲۳) ***	TR
۰/۰۲۳ (۳/۳۰) ***	۰/۰۲۶ (۴/۰۵) ***	۰/۰۱۳ (۱/۰۴)	۰/۰۱۰ (۱/۰۶)	۰/۰۱۱ (۰/۶۸)	۰/۰۱۴ (۱/۳۸)	۰/۰۰۰ (۰/۵۰)	۰/۰۰۲ (۱/۴۶)	۰/۰۰۲ (۱/۵۳)	INF
-۰/۰۴۷ (-۲/۱۶) ***	-۰/۰۳۳ (-۱/۲۶)	-۰/۰۱۳ (-۰/۵۳۵)	-۰/۰۰۷ (-۰/۲۹۹)	-۰/۰۰۵ (-۰/۱۹۶)	-۰/۰۲۴ (-۰/۴۹۱)	-۰/۰۲۳ (-۰/۵۹۷)	-۰/۰۱۵ (-۰/۷۱۹)	-۰/۰۰۵ (-۰/۰۷۱)	FDI
-۰/۰۰۲ (-۰/۴۶۹)	-۰/۰۰۳ (-۰/۳۴۰)	-۰/۰۰۳ (-۰/۹۳۵)	-۰/۰۰۳ (-۰/۹۳۸)	-۰/۰۰۳ (-۰/۹۴۳)	-۰/۰۰۲ (-۰/۷۳۹)	-۰/۰۰۳ (-۱/۰۲)	-۰/۰۰۱ (-۰/۲۲۸)	-۰/۰۰۰ (-۰/۰۷۳)	TO
-۰/۰۰۰۱ (-۳/۸۰) ***	-۰/۰۰۰۱ (-۳/۲۸) ***	-۰/۰۰۰۲ (-۲/۲۶) ***	-۰/۰۰۰۱ (-۲/۲۹) ***	-۰/۰۰۰۱ (-۱/۹۹) ***	-۰/۰۰۰۱ (-۱/۳۴)	-۰/۰۰۰۱ (-۱/۱۱)	۰/۰۰۰ (۰/۵۴۲)	-۰/۰۰۰ (-۰/۳۰۷)	GDPPC

متغیر وابسته نرخ بیکاری و متغیر مستقل نسبت درآمد گردشگری (UNE=F(TR))									
متغیر	Q-reg(1)	Q-reg(2)	Q-reg(3)	Q-reg(4)	Q-reg(5)	Q-reg(6)	Q-reg(7)	Q-reg(8)	Q-reg(9)
TR	-۰/۰۴۷	-۰/۰۵۵	-۰/۰۴۳	-۰/۰۴۵	-۰/۰۴۵	-۰/۰۶۲	-۰/۰۴۶	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۵
	*** (-۶/۴۳)	*** (-۵/۸۶)	*** (-۵/۲۸)	*** (-۵/۸۰)	*** (-۳/۳۹)	*** (-۷/۰۳)	*** (-۲/۶۱)	*** (-۲/۱۴)	*** (-۰/۶۷)
			***	***					

منبع: یافته‌های پژوهش

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t است. **،***،* و * به ترتیب معنی‌داری در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

همان‌طور که در جدول (۲) دیده می‌شود گردشگری به‌عنوان متغیر اصلی پژوهش، نابرابری درآمد را به‌طور مستقیم در همه دهک‌ها کاهش می‌دهد که این کاهش به‌طور قابل‌توجهی در دهک نهم بیشتر است به این معنا که کشورهای که نابرابری بیشتری دارند از افزایش درآمدهای گردشگری به میزان بیشتری در جهت کاهش نابرابری منتفع خواهند شد و نابرابری در این کشورها با ضریب بیشتری کاهش می‌یابد (با ضریب $-۰/۱۹$ در دهک نهم در مقابل $-۰/۱۰$ در دهک اول). به‌علاوه در برخی دهک‌ها مانند دهک هشتم و پنجم به دلیل کمبود مشاهدات در این دهک‌ها، ضرایب معنی‌دار نبوده و با دقت بالایی برآورد نشده‌اند. از طرف دیگر بیکاری در همه دهک‌ها به‌طور معناداری نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. افزایش بیکاری، نابرابری درآمد را در دهک‌های پایین‌تر بیشتر متأثر می‌کند، به این معنا که کشورهایی که نابرابری درآمدی کمتری دارند از افزایش نرخ بیکاری بیش‌تر آسیب می‌بینند و نابرابری درآمدی این کشورها بیشتر افزایش می‌یابد. بدیهی است که عدم وجود فرصت‌های مناسب برای به‌خدمت گرفتن نیروی کار، تأثیر بسزایی در وضعیت زندگی افراد داشته که در نهایت به فقر و محرومیت و گسترش نابرابری منجر خواهد شد.

تورم (INF) نیز تنها در دو دهک بالایی اثر مثبت و معناداری بر نابرابری‌های درآمد دارد بدین معنا که در کشورهایی که نابرابری درآمد بالاتری را تجربه می‌کنند، تورم این نابرابری را با ضریب قوی‌تری تشدید می‌کند. در دنیای واقعی، تورم از کانال‌های متعددی بر نابرابری درآمد اثر می‌گذارد، تورم به‌طور نامتناسب بروز کرده و قیمت‌های نسبی و به دنبال آن تخصیص منابع را تغییر می‌دهد، تورم درآمد را از افرادی که درآمدها ثابت بوده یا کندتر

افزایش می‌یابد، به کسانی که درآمدشان سریع‌تر افزایش می‌یابد، انتقال و درآمدهای یک‌شبه و هنگفتی را نصیب ثروتمندان می‌کند و نابرابری‌های درآمدی را تشدید می‌کند. جریان سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)، تنها در دهک نهم دارای تأثیر منفی معناداری بر نابرابری درآمد است، به‌طور خاص، افزایش ۱٪ در جریان سرمایه‌گذاری خارجی نابرابری درآمد را ۰/۴٪ در این دهک کاهش می‌دهد، بدین معنی که کشورهای که از نابرابری درآمد بالایی رنج می‌برند، افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی، نابرابری درآمد را با ضریب قوی‌تری کاهش می‌دهد؛ این نتیجه تأکیدی بر فرضیه ماندل است، بر اساس فرضیه ماندل^۱ (۱۹۵۷) جریان سرمایه‌گذاری خارجی نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر اثر باز بودن تجارت (TO) بر نابرابری درآمد در همه کوانتایل‌ها هرچند منفی است اما به لحاظ آماری معنی‌دار نیست و اندازه عددی ضرایب آن نیز کوچک است؛ بر اساس فرضیه استالپر-ساموئلسن^۲ افزایش تجارت بین کشورها یا باز بودن تجاری به کاهش نابرابری منجر می‌شود، باز بودن تجاری بیش از هر چیز دیگری افراد را از طریق ایجاد فرصت‌های تجاری و مشاغل جدید تحت تأثیر قرار می‌دهد که در نهایت می‌تواند به کاهش نابرابری در درآمد منجر شود؛ اما این فرضیه برای نمونه منتخب این پژوهش رد می‌شود که علت آن را می‌توان در ساختار تجاری این کشورها دانست، ساختار تجارت در کشورهای منتخب به‌گونه‌ای است که هرچند عموم اقشار جامعه می‌توانند از تجارت خارجی منتفع شوند اما گروه‌های درآمدی پایین به نسبت بیشتری از گروه‌های درآمدی بالا از آن بهره‌مند نمی‌شوند، در نتیجه هیچ تأثیر بااهمیتی بر نابرابری درآمد نمی‌گذارد.

مطابق نتایج تخمین مدل، ضریب شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC) از دهک پنجم تا دهک نهم منفی و معنادار است و اندازه عددی آن نیز به مراتب قوی‌تر است. لذا کشورهایی که درآمد سرانه بالاتری دارند از نابرابری کمتری برخوردارند. لذا هرچقدر سطح نابرابری در کشورها بالاتر باشد افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه می‌تواند این نابرابری را با ضریب قوی‌تری کاهش دهد. این نتیجه با فرضیه اولیه منحنی کوزنتس سازگار است؛

1. Mundell

2. Stolper - Samuelson

کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی»، این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد. در گام بعدی اثر غیرمستقیم درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد از کانال بیکاری بررسی می‌شود. به منظور برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم (اثر کل) گردشگری بر نابرابری از رگرسیون پانل تک متغیره استفاده می‌شود. برای این منظور رابطه (۵) (پارامتر γ_1) در کوانتایل‌های مختلف برآورد می‌شود. نتایج به تفکیک در قسمت پایین جدول (۳) ارائه شده است. بر اساس نتایج مذکور درآمد گردشگری در تمامی کوانتایل‌ها اثر منفی بر نرخ بیکاری دارد. این اثر در اکثر کوانتایل‌ها معنی‌دار و نزدیک به هم است. لذا به نظر می‌رسد که درآمدهای گردشگری از کانال کاهش نرخ بیکاری نیز، نابرابری درآمد را به طور مؤثری بهبود می‌بخشد. همان‌طور که از جدول (۴) ملاحظه می‌گردد مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم درآمدهای گردشگری بر بیکاری در نه دهک، منفی و معنی‌دار است که این اثر در دهک‌های بالایی بیشتر بوده و دلالت بر اثر بیشتر درآمدهای گردشگری بر کاهش نابرابری درآمد در کشورهایی است که از نابرابری درآمد بیشتری رنج می‌برند.

جدول ۴. اثرات مستقیم و غیرمستقیم درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد

کوانتایل	مستقیم	غیرمستقیم	مجموع
اول	-۰/۱۰۵	-۰/۰۲۲	-۰/۱۲۷
دوم	-۰/۱۰۲	-۰/۰۲۵	-۰/۱۲۷
سوم	-۰/۱۰۲	-۰/۰۱۷	-۰/۱۱۹
چهارم	-۰/۱۰۴	-۰/۰۱۶	-۰/۱۲
پنجم	-۰/۰۹۵	-۰/۰۱۵	-۰/۱۱
ششم	-۰/۱۱۷	-۰/۰۲۰	-۰/۱۳۷
هفتم	-۰/۱۴۰	-۰/۰۱۱	-۰/۱۵۱
هشتم	-	-۰/۰۱۰	-۰/۰۱۰
نهم	-۰/۱۹۱	-	-۰/۱۹۱

نتایج مؤکداً بر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم درآمدهای گردشگری در جهت کاهش بیکاری اشاره دارد هرچند که این اثر در دهک‌های مختلف نامتقارن است. نتایج جدول (۳) به‌وضوح بیان می‌دارد که اثر مستقیم درآمدهای گردشگری جهت کاهش نابرابری بیش از اثرات غیرمستقیم از کانال بیکاری است.

نتیجه‌گیری

در دو دهه گذشته، صنعت گردشگری رشد قابل‌توجهی در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه داشته است. با توجه به اهمیت صنعت گردشگری در ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر، درآمدزایی، افزایش درآمدهای مالیاتی و ذخایر ارز خارجی، این صنعت به بخش مهمی برای توسعه اقتصادی و موفقیت همه اقتصادهای جهان تبدیل شده است. در این مطالعه اثر درآمدهای گردشگری، تولید ناخالص داخلی سرانه، درجه باز بودن تجاری، جریان سرمایه‌گذاری خارجی، تورم و بیکاری بر نابرابری درآمد، مبتنی بر داده‌های پانل نامتوازن برای ۳۱ کشور طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۱۵ به روش کوانتایل برآورد و تحلیل شده است.

بیشتر مطالعات صورت گرفته اثر متوسط و مستقیم گردشگری بر رشد اقتصادی یا نابرابری درآمد را مبتنی بر رگرسیون میانگین شرطی مورد توجه قرار داده‌اند که اغلب آن‌ها نیز منحصر به بررسی برای یک کشور می‌شود؛ این پژوهش اثر مستقیم و غیرمستقیم گردشگری (از کانال بیکاری) بر نابرابری درآمد در کوانتایل‌ها یا سطوح مختلف توزیع درآمد مورد ارزیابی قرار داده است؛ که در نتیجه عمق بیشتری در جهت تحلیل موضوع فراهم می‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که افزایش فعالیت‌های گردشگری، نابرابری درآمد را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کاهش می‌دهد. در واقع افزایش درآمدهای گردشگری به‌طور غیرمستقیم از کانال کاهش بیکاری به کاهش نابرابری می‌انجامد. با این حال اثر مستقیم درآمدهای گردشگری بر کاهش نابرابری درآمد، بیش از اثرات غیرمستقیم است. لذا مجموع اثر درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد، منفی و معنادار است. با توجه به چارچوب کلی و بررسی داده‌های پانل، نتایج با یافته‌های الام و پاراماتی (۲۰۱۶)، سورج و همکاران (۲۰۱۱) دایی کریم زاده و شاکرمی (۱۳۸۹) سازگار و همسو است. شاخصه بارز مطالعه حاضر در مقایسه با سایر مطالعات این است

که با رویکرد رگرسیون پانل کوانتیل، واکنش متغیر نابرابری درآمد را به متغیرهای مستقل (به‌ویژه درآمدهای گردشگری)، نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به‌ویژه در دهک‌های ابتدایی و انتهایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به‌بیان‌دیگر رفتار سطوح مختلف نابرابری درآمد در کشورهای درحال توسعه، نسبت به متغیرهای مستقل مدل مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌ها در این خصوص نشان می‌دهند کشورهایی که در دهک بالای نابرابری قرار دارند بیشترین برخورداری را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از افزایش گردشگری در جهت کاهش نابرابری داشته‌اند. با اتکا به نتایج تحقیق، یکی از راه‌های امن توسعه اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال و کاهش نابرابری در کشورها درحال توسعه، رشد و توسعه صنعت گردشگری است؛ که می‌توان با مدد از آن به‌طور هم‌زمان به هر دو هدف کاهش بیکاری و نابرابری درآمد رسید. استفاده از تمامی ابزارهایی که توسعه و گسترش روزافزون صنعت گردشگری در کشور را امکان‌پذیر می‌کند به بهبود شرایط اقتصادی (کاهش بیکاری و نابرابری درآمد) در سطح کلان کمک می‌کند.

منابع

- اشرف‌زاده، حمیدرضا؛ مهرگان، نادر (۱۳۹۳)، «اقتصادسنجی پانل دیتای پیشرفته»، انتشارات نور علم، تهران، چاپ اول
- دایی کریم زاده، سعید و شاکرمی، محبوبه السادات (۱۳۸۹)، «بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای گروه D8 طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۵»، همایش منطقه‌ای صنعت توریسم.
- رضاقلی‌زاده، مهدیه (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی»، *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۳۶(۰)، ۱۲۵-۱۶۰
- فرزین، محمدرضا؛ زندی، ابتهال؛ عبدی، مرجان؛ عباسپور، نیلوفر (۱۳۹۴) «شناسایی بخش‌های کلیدی در صنعت گردشگری ایران (بر مبنای مدل داده-ستانده)»، *علوم اقتصادی*، ۳۲(۹): ۶۵-۸۰
- مصطفوی، سید مهدی. هوشمند، محمود و محقق، اکرم (۱۳۹۲)، «بررسی اثرات نابرابری بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه»، *اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین*.
- مهرآرا، محسن، اصفهانی، پوریا (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب»، *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳(۲۸)، ۲۰۹-۲۸۸
- Alam, M. S. and S. R. Paramati (2016). The impact of tourism on income inequality in developing economies: Does Kuznets curve hypothesis exist? *Annals of Tourism Research* 61: 111-126.
- Amornthum, S (2004). Income Inequality, Inflation and Nonlinearity: The Case of Asian Economies; University of Hawaii, *Economic Research Organization Lecture note No. 601*
- Archer, B., & Fletcher, J. (1996). The economic impact of tourism in the seychelles. *Annals of Tourism Research*, 23(1), 32-47.
- Bartik, T. J. (1991). Who benefits from state and local economic development policies? Books from Upjohn Press.
- Basu, P., Guariglia, A., (2007). Foreign direct investment, inequality, and growth. *Journal of Macroeconomics* 29, 824-839.

Blake, A., Arbache, J. S., Sinclair, M. T., & Teles, V. (2008). Tourism and poverty relief. *Annals of Tourism Research*, 35(1), 107–126.

Blinder, A. S. and H. Y. Esaki (1978), Macroeconomic Activity and Income Distribution in the Post-War United States, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 60, No. 4, PP. 604-609.

Bulir, Ales (2001). Income Inequality: Does Inflation Matter?; IMF Staff Paper, *International Monetary Funds*, Vol. 48, No. 1.

Chmpernown D.G. (1974). A Comparison of measures of Inequality of Income Distribution. *The The Economic Journal*, Volume 84, Issue 336, 1 December 1974, Pages 787–816,

Croes, R and Vanegas, M. (2008). Cointegration and Causality between Tourism and Poverty Reduction. *Journal of Travel Research*, Vol 47: 94-103.

Croes, R. (2014). The role of tourism in poverty reduction: An empirical assessment. *Tourism Economics*, 20(2), 207–226.

El Khoury, A.C. and Savvidaes, A. (2006), Openness in Services Trade and Economic Growth, *Economic Letters*, 92(2), pp. 277-283.

Galli, Rossana and Rolph Van der Hoeven (2001). Is Inflation Bad for Income Inequality: The Importance of the Initial Rate of Inflation; *Employment Paper* (29).

Incera, A. C., & Fernández, M. F. (2015). Tourism and income distribution: Evidence from a developed regional economy. *Tourism Management*, 48, 11–20.

Jakobsson, Amanda (2006), *Trade Openness and Income Inequality*”, Bachelor Thesis, Supervisors: Yves Bourdet, Joakim Gulstrand, June 2006.

Jiang, M., DeLacy, T., Mkiramweni, N. P., & Harrison, D. (2011). Some evidence for tourism alleviating poverty. *Annals of Tourism Research*, 38(3), 1181–1184

Job, H., & Paesler, F. (2013). Links between nature-based tourism, protected areas, poverty alleviation and crises—the example of Wasini Island (Kenya). *Journal of Outdoor Recreation and Tourism* 1-2: 18-28.

Kuznets, Simon. (1955). Economic Growth and Income Inequality. *American Economic Review* 45 (March): 1–28.

Lee, S., & O'Leary, J. T. (2008). Determinants of income inequality in us nonmetropolitan tourism-and recreation-dependent communities. *Journal of Travel Research*, 46(4), 456–468.

Li, H. and Zou, H. (2002), Inflation, Growth, and Income Distribution: A Cross- Country Study, *Annals Economics and Finance*, Vol. 3, pp. 85-101.

Li, H., Chen, J. L., Li, G., & Goh, C. (2016). Tourism and regional income inequality: Evidence from China. *Annals of Tourism*, 58: 81-99.

Li, H., Goh, C., Zhang Qiu, H., & Meng, F. (2015). Effect of tourism on balanced regional development: A dynamic panel data analysis in coastal and inland china. *Asia Pacific, Journal of Tourism Research*, 20(6), 694–713.

Manyara, G., & Jones, E. (2007). Community-based tourism enterprises development in Kenya: An exploration of their potential as avenues of poverty reduction. *Journal of Sustainable Tourism*, 15(6), 628–644.

Meschi, Elena and Marco Vivarelli (2007), Trade Openness and Income Inequality Indveloping Countries'', *Csgr Working Paper Series* 232/07.

Mundel, R.A. (1957). International trade and factor mobility. *American Economic Review*, 47(3), 321-335

Nolan, B. (1986), Unemployment and the Size Distribution of Income, *Economica*, Vol. 53, No. 212, PP. 421-45.

Papatheodorou, A. (2004). Exploring the Evolution of Tourism Resorts. *Annals of Tourism Research*, 31(1), 219–237.

Roger Koenker; Gilbert Bassett, Jr(1978),. *Econometrica*, Vol. 46, No. 1. pp. 33-50. *Economic Journal*, 787-816.

Schilcher, D. (2007). "Growth Versus Equity: The Continuum of Pro-Poor Tourism and Neoliberal Governance. *Current Issues in Tourism* 10(2-3): 166-193.

Shiller, R. J. (1997). Why do people dislike inflation? In christana D. Romer & D. H. Romer, eds. *Reducing Inflation: Motivation and Strategy*. Chicago: *University of Chicago press*: 1-15.

Stabler, M. J., Sinclair, A., & Papatheodorou, M. T. (2010). *The economics of tourism*. Abingdon: Routledge.

Standardized World Income Inequality Database (SWIID), 2016

Stolper, W., & Samuelson, P. (1941). Protection and real wages. *Review of Economic Studies*, 9, 58-73.

Suraj, Pant and Parker, Jeffrey. (2011). The Impact of Tourism on Income Inequality. *The UCLA Undergraduate Journal of Economic*: 39(4):47-99.

Taylor, L. (2000), External Liberalization, Economic Performance and Distribution in Latin America and Elsewhere'', *WIDER workingpaper* No. 215.

Tosun, C., Timothy, D. J., & Öztürk, Y. (2003). Tourism growth, national development and regional inequality in turkey. *Journal of Sustainable Tourism* 11(2-3): 133-161.

Tsai, P.L., (1995). Foreign direct investment and income inequality: further evidence. *World Development* 23, 469-483.

Vanegas, Manuel. (2014). The Triangle of Poverty, Economic Growth and Inequality in Central America: Does Tourism Matter?. *Worldwide Hospitality and Tourism Themes*, Vol. 6, No. 3: 277-292.

WDI (2017). World Development Indicators, World Bank, Washington, DC. United States. Accessed at: <http://www.worldbank>.

Wen, J., & Tisdell, C. (1997). Regional inequality and tourism distribution in china. *Pacific Tourism Review*, 1(2), 119-128.

WTTC (2017). Travel & Tourism: *Economic Impact 2016 World*. London, United Kingdom: WTTC.

Wu, J.-Y. and C.-C. Hsu (2012). Foreign direct investment and income inequality: Does the relationship vary with absorptive capacity? *Economic Modelling* 29(6): 2183-2189.

Persian References:

Ashrafzadeh, H. R., & Mehregan, N. (2014), *“Econometric Analysis of Advanced Data Panel”*, Noor Elam Publication, Tehran, First Edition.

Daei Karimzadeh, S., & Shakarami, M. S. (2010), *“The Study of the effect of tourism on income inequality, Case Study: D8 countries in the period of 1990-2005”*, Regional Conference of Tourism Industry.

Reza Golizadeh, M. (2016), *“The impact of tourism on the triangle of poverty, inequality and economic growth”*, Tourism Management Studies, 36 (0), 125-160.

Farzin, M. R., Zandi, E., Abdi, M., & Abbaspour, N. (2015), *“Identification of key sectors in the tourism industry of Iran (based on the data-output model)”*, Economic Sciences, 32 (9): 65-80.

Mostafavi, S. M., Houshmand, M., & Mohaqeq, A. (2013), *“The study of the effects of inequality on the distribution of income in selected developing countries”*, The First National Conference on Tourism and Nature Tourism in Iran.

Mehr Ara, M., & Isfahani, P. (2015), *“Investigating the relationship between income distribution and the tax structure of selected countries”*, Tax Bulletin, 23 (28), 209-288.